



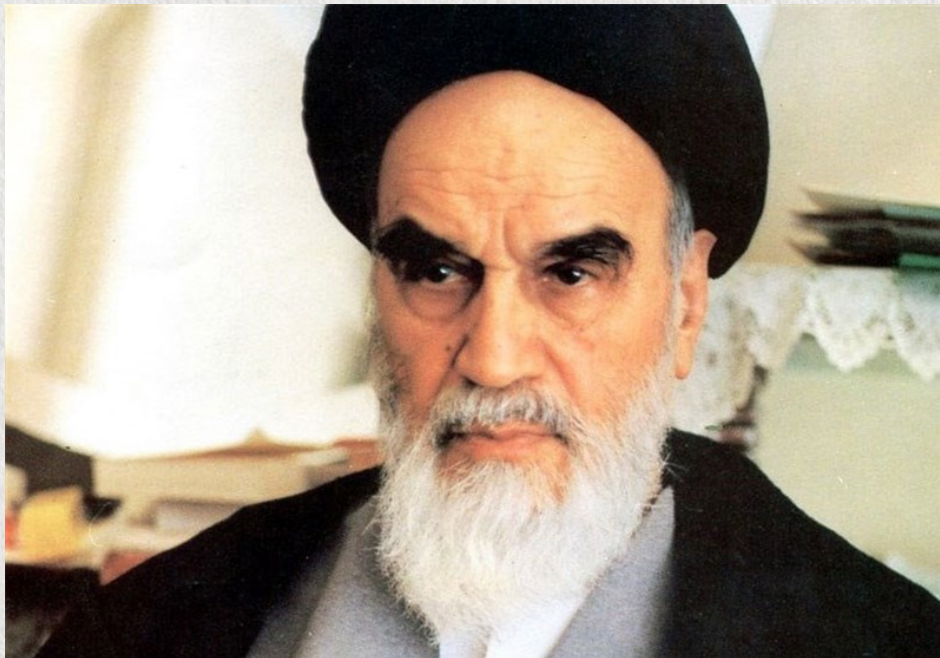
# روزگار حسنی

  
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
**ضيافت خلیل**  
 ویژه نامه ماه رجب | رجب ۱۴۴۶ | دی ۱۴۰۳  
 معاونت فرهنگ  
 مدیریت آموزشی و فرهنگی

# رجب الحرام

## فهرست

- ۳ ..... دغاهای معجزه‌آسا
- ۴ ..... ایام مبارک ماه رجب
- ۵ ..... ۱. پیامبر اسلام قبل از نبوت چه آئینی داشت؟
- ۷ ..... استقامت در راه هدف مقدس
- ۹ ..... دو پرسش از محضر امام باقر علیه السلام
- ۱۰ ..... روایاتی از امام جواد علیه السلام
- ۱۱ ..... بشارت به ولادت علی علیه السلام
- ۱۲ ..... ۶. اهل انس به قرآن و تلاوت آن باشیم
- ۱۳ ..... ۷. نکته ای در باره دعای ماه رجب
- ۱۴ ..... ۸. نکته ای در باره زیارت امام رضا علیه السلام



### دعاهای معجزه‌آسا

این دعاهائی که در ماه هاهست ، در روزها هست خصوصاً در ماه رجب و شعبان و ماه مبارك رمضان این‌ها انسان را همچو تقویت روحی می‌کند اگر کسی اهلش باشد ماها که نیستیم ، همچو تقویت روحی می‌کند و همچو راه را برای انسان باز می‌کند و نورافکن است برای اینکه این بشر را از این ظلمت‌ها بیرون بیاورد و وارد نور بکند که معجزه آساست . آن که سبکبار می‌کند انسان را و از این ظلمت کده می‌کشد او را بیرون و نفس را از آن گرفتاری‌ها و سرگشتگی‌هائی که دارد خارج می‌کند این ادعیه‌ای است که از ائمه ما وارد شده اند... این ادعیه مهیا می‌کنند این نفوس را برای اینکه این علائقی که انسان دارد و بیچاره کرده انسان را این علائق، این گرفتاری‌هائی که انسان در این عالم طبیعت دارد و انسان را سرگشته کرده است، متحیر کرده است ، نجاتش بدهند و آن راهی که راه انسان است ببرند، راه‌های دیگر راه انسان نیست ، صراط مستقیم راه انسانیت است.

۱. صحیفه امام، ج ۱۳، ص: ۳۲ و ۳۳

۲. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۴۰ - ۲۴۱



## ایام مبارک ماه رجب

ایام ماه مبارک رجب است. اولین چیزی که در این ایام و بعد در ایام ماه مبارک شعبان، بالاخره در پله‌ی سوم و بالاتر در ماه مبارک رمضان باید مورد توجه یکایک ما قرار بگیرد - هر جا هستیم - اصلاح خود و زدودن غفلت‌ها و ظلمت‌ها از دل خود باید باشد؛ اصل این است. همه‌ی این ماجراها و کشمکش‌هایی که در زندگی بشر، در بعثت انبیاء، در مبارزات اجتماعی و سیاسی و نظامی‌ای که پیغمبران الهی با دشمنان خدا داشتند - رنج‌ها، محنت‌ها، شادی‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها، همه و همه - مقدمه‌ی این است که انسان بتواند در هنگام عبور از این مرزی که ناگزیر باید از آن عبور کرد - یعنی مرز زندگی مادی و حیات اخروی و دائمی - شادمان باشد، خرسند باشد، حسرت‌زده نباشد؛ همه‌ی حرف‌ها برای این است. اگر گفته‌اند اخلاق خوب داشته باشید، اگر گفته‌اند عمل به این مقررات داشته باشید، اگر گفته‌اند مبارزه کنید، اگر گفته‌اند عبادت کنید، همه برای این است که این ماده‌ی خامی را که به ما سپرده شده است، به کیفیت مطلوب و محصول بهینه برسانیم و از این دروازه خارج کنیم؛ برای این است که این صفحه‌ی سفیدی که به ما سپردند تا آن را با اعمال خود منقش کنیم، با نقش زیبایی، با نقش مطلوبی از آب در بیاوریم و روی دست بگیریم و برویم. همه چیز آنجاست، سرنوشت آنجاست؛ این‌ها مقدمه است. در این اردوگاهی که ما امروز در آن مشغول تمرین هستیم، برای اینکه تا یک جائی این تمرین به کار ما بیاید، باید سعیمان بر این باشد که در این اردوگاه از حداکثر فرصت‌ها استفاده کنیم؛ نگذاریم غنیمتی از دست برود، سرمایه‌ای سوخت و سوز بشود و چیزی در مقابل آن عائد نشود.



## پیامبر اسلام قبل از نبوت چه آئینی داشت؟

آیا حضرتشان پیرو دین عیسای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود؟

پاسخ:

در این که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از بعثت هرگز برای بت سجده نکرد و از خط توحید منحرف نشد شکی نیست، و تاریخ زندگی او نیز به خوبی این معنا را منعکس می‌کند اما در این که بر کدام آئین بوده؟ و طبق دستورات و شریعت کدام پیامبر عمل می‌نمود در میان دانشمندان اسلامی گفتگو است.

۱- بعضی آن حضرت را پیرو آئین مسیح عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانند؛ چرا که قبل از بعثت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آئین رسمی و غیر منسوخ آئین حضرت مسیح بوده است.

۲- بعضی دیگر او را پیرو آئین ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانند [۱]، چرا که «شیخ الانبیاء» و پدر پیامبران است و در بعضی از آیات قرآن آئین اسلام به عنوان آئین ابراهیم معرفی شده» این همان دین پدرتان ابراهیم است، او شما را از پیش مسلمان نامیده است [۲]

۳- بعضی نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته‌اند: می‌دانیم آئینی داشته، اما کدام آئین؟ بر ما روشن نیست!

گرچه هر یک از این اقوال وجهی دارد، اما هیچ کدام مسلم نیست، و مناسب تر از اینها قول چهارم است و آن این که: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شخصا برنامه خاصی از سوی خداوند داشته که بر طبق آن عمل می‌کرده، و در حقیقت آئین مخصوص خودش بوده، تا زمانی که اسلام بر او نازل گشت. شاهد این سخن حدیثی است که در نهج البلاغه آمده است: «خداوند از آن زمان که رسول خدا از

شیر باز گرفته شد بزرگترین فرشته‌اش را قرین وی ساخت، تا شب و روز او را به راههای مکارم، و طرق اخلاق نیک سوق دهد» [۳].

ماموریت چنین فرشته‌ای دلیل بر وجود یک برنامه اختصاصی است. شاهد دیگر این که در هیچ تاریخی نقل نشده است که پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در معابد یهود یا نصاری یا مذهب دیگر مشغول عبادت شده باشد، نه در کنار کفار در بتخانه بود، و نه در کنار اهل کتاب در معابد آنان، در عین حال پیوسته خط و طریق توحید را ادامه می‌داد، و به اصول اخلاق و عبادت الهی سخت پایبند بود.

روایات متعددی نیز- طبق نقل علامه مجلسی در بحار الانوار- در منابع اسلامی آمده است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از آغاز عمرش مؤید به روح القدس بود و با چنین تاییدی مسلماً بر اساس الهام روح القدس عمل می‌کرد» [۴].

«علامه مجلسی» شخصا معتقد است که پیامبر اسلام قبل از مقام رسالت دارای مقام نبوت بوده، گاه فرشتگان با او سخن می‌گفتند، و صدای آنها را می‌شنید، و گاه در رؤیای صادقانه به او الهام الهی می‌شد، و بعد از چهل سال به مقام رسالت رسید، و قرآن و اسلام رسماً بر او نازل شد، او شش دلیل بر این معنی ذکر می‌کند که بعضی از آنها با آن چه در بالا آوردیم هماهنگ است. [۵]

[۱] جعفری، یعقوب، کوثر، ج ۶، ص ۲۳۴، پیامبر اسلام پیرو دین ابراهیم بود و خدا به او وحی کرده بود که از دین ابراهیم پیروی کند.

... چه افتخاری بالاتر از این که محمد پیامبر خدا و امت اسلامی همگی خود را پیروان راستین ابراهیم می‌دانند. این که به پیامبر اسلام وحی شده بود که پیرو دین ابراهیم باشد، فقط مربوط به زمان قبل از بعثت نیست، بلکه پس از بعثت نیز پیامبر اسلام ادامه دهنده راه ابراهیم بود و ابراهیم به عنوان مظهر توحید و قهرمان بت شکن، الگو و سرمشق پیامبران از جمله پیامبر اسلام بود و اساساً همه پیامبران توحیدی در اصول پیرو ابراهیم بودند و اگر تفاوت‌هایی در میان این پیامبران وجود داشت، تفاوت در برخی از احکام و شرایع بود که مطابق با مقتضای زمان تشریح می‌شود و هر دینی برای خودش آیین‌ها و برنامه‌هایی داشت؛ برای هر امتی از شما راه و روشی قرار دادیم، مائده، ۴۸. پیامبر اسلام طبق تعلیمات الهی، توجه خاصی به ابراهیم داشت و می‌توان گفت که دین اسلام همان آیین ابراهیم بود که به صورت تکامل یافته و مطابق با زمان از سوی خداوند عرضه شده بود.

[۲] حج، ۷۸.

[۳] نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ (خطبه قاصعه): «و لقد قرن الله به صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ من لدن ان كان فطيما اعظم ملك من ملائكته، يسلك به طريق المكارم، و محاسن اخلاق العالم، ليله و نهاره».

[۴] برای آگاهی بیشتر، نک: مفهوم عصمت و امکان عصمت افراد، سؤال ۲۴۹ (سایت: ۱۹۵۴).

[۵] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص: ۵۰۷، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۴ ش، چاپ اول.



## استقامت در راه هدف مقدس

حضرت زینب کبری علیها السلام پس از رخداد خونین کربلای حسینی، با شجاعت بی نظیر و استقامت همانند کوه خود، در کنار برادرزاده ارجمندش حضرت سید الساجدین علیه السلام به ادای وظیفه دینی پرداخت. که به نمونه هائی از آن اشاره می شود:

### اول. در کوفه:

عمر بن سعد کاروان اسراء را، به گونه ای ترتیب داده بود تا سپیده دم دوازدهم محرم الحرام به شهر کوفه برسند. کاروان خسته و غم بار از مشکلات و دشواری های روزهای قبل در حالی که سرهای مقدس و مطهر شهداء بر نیزه ها بود، نزد عبیدالله بن زیاد برده شدند. او با چوبی که در دست داشت به لب ها و دندان های سر مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام می زد!؟ ... حضرت زینب علیها السلام که کهنه ترین جامه های خود را پوشیده بود با اُبّهت و جلالی هر چه تمام تر، قدم پیش نهاد و در گوشه ای نشست! عبیدالله بن زیاد (لعنت الله علیه) سؤال کرد این زن کیست؟ پاسخی نشنید تا اینکه یکی گفت: این زینب دختر علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است. عبیدالله گفت: سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد و کشت!؟ حضرت زینب علیها السلام اظهار داشت: سپاس خداوندی را که نبی خاتم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم را گرامی داشت و ما را پاک و پاکیزه نمود. تو ای عبیدالله، تبه کار، رسوا و بدکاره ای؟ عبیدالله گفت: بین خدا با خانواده ات چه کرد؟ حضرت فرمود: «ما رأیت الا جمیلا...» یعنی؛ غیر از زیبایی چیزی نمی بینم. مطمئن باش که به زودی خداوند میان آنان (شهداء) و تو قضاوت خواهد کرد. مادرت به عزایت بنشیند ای پسر مرجانه!

### دوم. در مجلس یزید در شام:

اسیران را به طرف قصر یزید بن معاویه (لعنت الله علیه) حرکت دادند، درحالی که یزید (لعنت الله علیه) اشعار ابن زبیری را می خواند که بوی کفر و شرک و بی دینی از آن می آمد!؟. این صحنه برای امام

سجّاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام بسیار تلخ و دشوار بود! امام سجّاد علیه السلام خطاب به یزید فرمود: چه می‌گویی در حالی که جدّ ما رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هست! در این مجلس وقتی یکی از شامیان از یزید خواست تا فاطمه بنت الحسین علیها السلام را به عنوان کنیز به او بدهد، حضرت زینب علیها السلام فرمود: نه تو و نه یزید چنین حق و جرّاتی ندارند. وقتی جسارت یزید را مشاهده کرد فرمودند: تو امیر و مسلط هستی. از روی ظلم و ستم دشنام می‌دهی و تندی می‌کنی و زور می‌گویی. در این موقع یزید ساکت شد و ادامه نداد! آری این چنین هست جرّات، هیبت و اّبّهت اهل بیت علیهم السلام که با شجاعت و منطق، دلهره در دل دشمنان می‌انداختند به طوری که آنان را به عقب نشینی وادار می‌کردند. حضرت زینب علیها السلام در ادامه سخنانش مردم را منقلب کرد و با قرائت آیات قرآن و استدلال به تفسیر و تاویل واقعی آن‌ها، بنیان ظلم و ستم امویان را افشا و بر حقانیت راه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندانش شهادت داد به طوری که مردم کم‌کم بیدار شدند و به عمق ظلم و ستم و فساد خاندان بنی امیه پی بردند! (۱)

### سوم. در مدینه:

کاروان خسته و غم‌ناک اهل بیت علیهم السلام، پس از تحمّل سختی‌های راه طولانی شام به مدینه، وارد شهر شدند. نسیم بوی آشنای شهر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مشام کاروانیان می‌رسید، اما آن‌ها که در هنگام خروج از مدینه با حضرت امام حسین علیه السلام حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام، حضرت علی اکبر علیه السلام و... بودند، اینک آن‌ها به ملکوت اعلی پیوسته‌اند و اسراء تنها شده‌اند! فقدان آن‌ها بر اعضای کاروان سنگینی می‌کرد ولی چاره‌ای نبود و تسلیم قضا و قدر الهی بودند. آن‌ها خوش حال از این که مأموریت محوله را به خوبی انجام داده‌اند. کاروان اسراء با حزن و اندوه و گریه و اشک مردم مدینه به زیارت قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رفتند و حضرت زینب علیها السلام با چشمانی گریان، خطاب به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: «یا جدّاه، انّی ناعیة الیک و لَدک الحسین [ع]» یعنی، ای جدّ بزرگوار و عزیزم، با حزن و اندوه خبر کشته شدن فرزندت حسین علیه السلام را آورده‌ام. گروهی برای تسلیت به خانه عبدالله بن جعفر رفتند و عبدالله گفت: «خدا را شکر که بچه‌هایم فدای حسین علیه السلام شدند و جانشان را برای او دادند». سپس حضرت زینب علیها السلام به دیدار امّ البنین [مادر حضرت عباس علیه السلام] رفت و او را دل‌داری داد. بنی‌هاشم با حالت عزاداری بر شهدای کربلا در بقیع اجتماع کردند و نوحه‌های جان‌گداز سر دادند و بعضی از اعضای کاروان کربلا، به نوحه سرایی و بیان حوادث، سختی‌ها و شجاعت و چگونگی جان‌فشانی شهداء و مقاومت اسراء پرداختند. خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عزا دار و سیاه پوش شدند و دیگر شادی نکردند! حضرت زینب علیها السلام در کنار امام سجّاد علیه السلام چگونگی حوادث واقعه کربلا را برای مردم بازگو می‌کردند و اظهار می‌داشتند آن‌ها همه‌ی این مصائب را به خاطر خدا تحمل کردند و مانند کوه استوار، لحظه‌ای از خدا غافل نبودند. در نتیجه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام و سائر اسراء، پاسدار حقیقی و واقعی ثار الله (خون خدا) شدند و نگذاشتند نهضت و حماسه جان‌گداز و خونین کربلا فراموش شود. حادثه‌ای که موجب حفظ و بقای اسلام از انحرافات و کجی‌ها شد و بنیان و اساس حاکمان فاسق و بی‌دین و بنی‌امیه را نابود کرد. (۲)

«سلام علیها یوم وُلدت و یوم توفیت و یوم تبعث حیّاً»

۱. سید ابن طاووس، الملهوف...: ۳۱۵؛ طبرسی، الاحتجاج ۲: ۱۲۲.

۲. مجلسی، بحار الأنوار...: ۴۵؛ ۱۲۴؛ سید ابن طاووس، الملهوف...: ۲۴۰؛ ادب‌الطف ۱: ۷۱.



## دو پرسش از محضر امام باقر علیه السلام

پرسش: بدترین عقوبت خداوند در دنیا چیست؟

می‌دانیم کسی که راه کمال را نییماید و در بیراهه و در مسیر گناه قدم بردارد، به بلاهایی در دنیا و آخرت گرفتار می‌شود. خوب است از زبان حضرت باقر علیه السلام بدانیم بدترین مجازات الهی در دنیا چیست؟ پاسخ امام باقر علیه السلام: «ما ضرب عبدٌ بعقوبةٍ اعظم من قسوة القلب؛ (۱) هیچ بنده‌ای به کیفری بزرگ‌تر از سنگدلی و سخت دلی کیفر نشد.»

راز این مسئله را حضرت باقر علیه السلام در سخن دیگری آشکار نمود؛ آنجا که فرمود: «اعلم انّه لا علم كطلب السلامة و لاسلامة كسلامة القلب؛ (۲) بدان که هیچ علمی چون طلب سلامت نیست و هیچ سلامتی مانند سلامت قلب نیست.»

به یقین می‌توان گفت که مقصود حضرت فقط علم پزشکی و سلامتی جسم و جان و قلب گوشتی نیست، بلکه سلامتی قلب از گناهان و قساوت نیز مقصود است.

و از جمله گناهایی که سلامتی قلب را به خطر می‌اندازد و قساوت را در پی دارد، تکبر است. حضرت باقر علیه السلام فرمود: «ما دخل قلب امرئ شیءٌ من الکبر الا نقص من عقله مثل ما دخله من ذلک قلّ ذلک او کثر؛ (۳) چیزی از کبر در قلب مرد داخل نمی‌شود، مگر آنکه به همان مقدار از عقلش کاسته می‌شود، خواه کم باشد یا زیاد.»

پرسش: برترین عبادت چیست؟

متوجه شدیم که نافرمانی خدا، بدترین مجازات را که قساوت قلب باشد، در پی دارد، اکنون جا دارد از محضر حضرت باقر علیه السلام با زبان حال بپرسیم که برترین بندگی و طاعت خداوند چیست تا در کنار عبادات واجبه به انجام آن اقدام کنیم؟

حضرت باقر علیه السلام در پاسخ این سؤال می‌فرماید: «ما عبد الله بشيء افضل من عفة بطن و فرج؛ (۴) خداوند با چیزی برتر از عفت شکم و دامن پرستیده نشده است.»

از این روایت استفاده می‌شود که عبادت، فقط عبادتهای مرسومه واجب و مستحب نیست؛ بلکه در معنای عام، عفت جستن و دوری از لقمه حرام نیز عبادت و بلکه عبادت برتر شمرده می‌شود.

همچنین به فرموده حضرت باقر علیه السلام، در نجوایی که خداوند در کوه طور با موسی علیه السلام داشت، فرمود: «ابلیغ قومک انّه ما یتقرّب الی المتقرّبون بمثل البکاء من خشیتی و ما تعبد لی المتعبدون بمثل الورع من محارمی؛ (۵) به قومت برسان که هیچ چیزی تقرّب جوینان به سوی من را مانند گریه از خوف من به من نزدیک نمی‌سازد و هیچ عبادتی از عبادتگاران من به مانند دوری از حرامهای من ارزشمند نیست.»

راز این برتری آن است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «عبادت (خداوند از طریق نماز و سایر عبادات) با خوردن لقمه حرام، مانند ساختن خانه بر روی ریگ یا بر آب است.» (۶)

۱. تحف العقول، ص ۲۹۶.

۲. تحف العقول، ص ۲۸۶؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۳۷۰.

۳. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۶، ح ۱۶؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۴۳۵، ح ۵۳۸۶.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱.

۵. منتخب میزان الحکمة، ص ۴۲۰، ح ۵۲۱۹؛ ثواب الاعمال، صدوق، ص ۲۰۵، ح ۱.

۶. منتخب میزان الحکمة، ص ۳۲۶، ح ۳۹۵۳.

# صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ

روایاتی از امام جواد علیه السلام

۱. مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ ؛  
[ . بحار الأنوار ، ج ۷۵ ، ص ۸۲ . ]

هر که کار زشتی را نیک بشمارد ، در آن کار شریک است .

۲. مَنْ انْقَطَعَ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ؛ [ بحار الأنوار ، ج ۶۸ ، ص ۱۵۵ . ]  
آن که به غیر خداوند روی آورد ، خداوند به همو واگذارش کند .

۳. مَنْ شَهِدَ أَمْرًا فَكَرِهَهُ كَانَ كَمَنْ غَابَ عَنْهُ وَمَنْ غَابَ عَنِ أَمْرٍ فَرَضِيَهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ ؛ [ تحف العقول ،  
صفحه ۴۵۶ ]

هر که حاضر و ناظر کاری باشد و آن را ناپسند دارد ، مانند کسی است که [ آن هنگام ] غایب بوده ، و هر که در کاری حاضر و ناظر نباشد ، ولی پدیان راضی باشد ، مانند کسی است که خود در آن حضور ( و مشارکت ) داشته است .

۴. مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ - وَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ يَنْطِقُ عَنِ  
لِسَانِ إبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إبْلِيسَ ؛

[ تحف العقول ، حسن بن شعبه حرّانی ، ص ۴۵۶ ]

هر که گوش به گفته سخنگویی دهد ، در واقع او را پرستیده است . اگر [ آن سخنگو ] از خدا بگوید ، خدا را پرستیده ، و اگر از شیطان بگوید ، شیطان را پرستیده است .

۵. ثَلَاثٌ خِصَالٍ تُجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ : الْإِنصَافُ فِي الْمَعَاشِرَةِ ، وَالْمُؤَاسَاةُ فِي السُّدَّةِ وَالْإِنْطِوَاعِ ، وَالرُّجُوعُ  
إِلَى قَلْبِ سَلِيمٍ . [ كشف الغمّة : ۳ / ۱۳۹ ]

با سه خصلت ، دوستی را به دست می آورند : انصاف در معاشرت ، همدردی [ با دیگران ] در خوشی و ناخوشی ، و داشتن قلبی پاک [ از گناهان ] .

## بشارت به ولادت علی علیه السلام

از روایات اهل بیت علیهم السلام چنین بر می آید که ابوطالب، پدر امیرالمومنین علیه السلام، از سالها پیش، از جریان ولادت فرزند عزیزش با خبر بوده و بشارت آن را به همسرش فاطمه بنت اسد داده بود. از جمله، امام صادق علیه السلام فرمود: فاطمه بنت اسد نزد ابوطالب آمد تا مژده ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به او بدهد. ابوطالب گفت: به اندازه یک «سبت» صبر کن، من تو را به مانند او مژده می دهم جز مقام نبوت، بعد فرمود: سبت سی سال است و میان ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ولادت علی علیه السلام سی سال فاصله بود.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: در هنگام ولادت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه بنت اسد نزد آمنه بود. پس یکی از آن دو به دیگری گفت: آیا می بینی آنچه را من می بینم؟ دیگری گفت: چه می بینی؟ گفت: این نور درخشنده که بین مغرب و مشرق را فرا گرفته است! پس در این سخن بودند که ابوطالب وارد شد و به ایشان گفت: از چه چیز تعجب نموده اید؟ فاطمه بنت اسد خبر آن نور را یاد آور شد. ابوطالب به او فرمود: می خواهی تو را بشارتی بدهم؟ گفت: آری و ابوطالب گفت: از تو فرزندی به هم خواهد رسید که وصی این فرزند خواهد بود.

## در رحم مادر

از شبی که نور وجود مبارک امیرالمومنین علی علیه السلام در رحم مادر قرار گرفت تا چند روز زمین مگه به لرزه در آمد به طوری که قریش به شدت از آن زمین لرزه نگران شدند و به وحشت افتادند و به یکدیگر گفتند: خدایان بت های خود را بر فراز کوه ابوقبیس ببرید تا از آنها بخواهیم این زلزله را برطرف کنند و این مسئله را دفع نمایند.

وقتی آنها به همراه بت ها بر فراز کوه جمع شدند، لرزش آن بیشتر شد به طوری که صخره ها و تخته سنگ ها را به حرکت در آورد و آنها را متلاشی ساخت و بت ها به صورت روی زمین افتادند. آنها وقتی این منظره را دیدند گفتند: ما در مقابل این امر عظیم طاقت نداریم! اینجا بود که ابوطالب بر فراز کوه آمد و در حالی که به اضطراب مردم اهمیتی نمی داد فرمود: ای مردم! خداوند تبارک و تعالی حادثه جدیدی در جهان هستی ایجاد کرده و مخلوقی را خلق کرده که اگر به ولایتش اقرار ننمایید و به امامتش گواه نباشید، این زلزله آرام نمی گیرد و آنقدر ادامه پیدا می کند که در سرزمین تهامه برای شما مسکنی باقی نمی ماند. مردم گفتند: ای ابوطالب! هرچه تو بگویی می پذیریم. ابوطالب گریه کرد و دست های خود را به سوی آسمان بلند نمود و گفت:

«**الْهِي وَ سَيِّدِي أَشَأَلُكَ بِالْمَحْمَدِيَّةِ الْمَحْمُودَةِ وَ بِالْعَلَوِيَّةِ الْعَالِيَةِ وَ بِالْفَاطِمِيَّةِ الْبَيْضَاءِ إِلَّا تَفْصَلْتِ عَلَيَّ تَهَامَةَ بِالرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ**»

با دعای ابوطالب زلزله آرام گرفت و مردم این دعا را به خاطر خود سپردند و نوشتند و در همان زمان جاهلیت آن را در گرفتاری های خود می خواندند، در حالیکه حقیقت آن را نمی دانستند.



## اهل انس به قرآن و تلاوت آن باشیم

استاد سید محمد مهدی میرباقری

همه عالم آیه است چرا ما خدا را نمی بینیم چون ما غافل هستیم **«وَ كَأَيُّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»** (یوسف/۱۰۵)، آیات خدا زیاد است ما کوتاهی نکردیم هر صبح و شب سر راهشان گذاشتیم. **«وَ كَأَيُّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَمْرُونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»**، همیشه بر آنها عبور می کند **«وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»**، اینها رویشان طرف دیگر است رویشان را برگردانند. غفلت یعنی آدم سر سفره قرآن نشسته حواسش جای دیگر است...

اگر می خواهیم اهل فهم قرآن شویم باید اهل انس به قرآن و تلاوت قرآن باشیم. این آیه قرآن را بعضی این طور معنا کردند **«وَ أَتْلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ»** (کهف/۲۷)، پیامبر گرامی کتابی که به شما وحی شده خودتان تلاوت کنید؛ لذا در احوالات ائمه علیهم السلام نقل شده زیاد قرآن می خواندند، گاهی اوقات در حال نماز حضرت یک آیه را آن قدر تکرار می کردند که فرمودند: این آیه را از قائلش و آن کسی که کلام، کلام اوست شنیدم؛ بنابراین ائمه هم قرآن می خواندند.

تلاوت قرآن باید با ادب حضور و با تواضع و با توجه به عظمت قرآن و بزرگی قرآن باشد. اگر انسان به عظمت قرآن توجه نکند بهره نمی برد، قرآن هم مثل امام است همین طور که ما وقتی به حرم امام به می رویم به ما می گویند اذن دخول بخوانید اینجا نیز اذن دخول می خواهد. اینجا جای مهمی است همین طور نمی شود وارد شوید باید اجازه بگیرید به اندازه ای که اجازه می دهند می توانید از حرم بهره مند شوید. قرآن هم همین طور است وقتی می خواهد وارد وادی قرآن شود دعاها را آغاز تلاوت و پایان آن را بخواند چون اینها مکمل قرائت قرآن است...

دعایی از امام صادق علیه السلام و امیرالمؤمنین نقل شده که قبل از ورود و بعد از قرآن بخوانید تا تلاوت قرآنتان کامل شود. در واقع این شبیه اذن دخول و وداع است....



# ایام رجب

## نکته ای در باره دعای ماه رجب

حضرت آیت الله جوادی آملی

شما در صحیفه صادقیه این بیان نورانی امام صادق علیه السلام را می بینید این دعای «یا من ارجوه لكل خیر» این از وجود مبارک امام صادق علیه السلام است و ظاهر این دعا این است که از همان اول حضرت دست مبارک را روی چانه شریف گذاشتند این مربوط به لویه نیست این انسان وقتی مضطر شد دست به چانه می زند که حالت اضطراب و اضطراب است از همان اول دست به چانه گذاشتند و این دست را حرکت دادند که حالت نگرانی و اضطراب و پریشانی و امثال ذلك باشد نه اینکه وقتی به آن جمله آخر رسیدند یا ذالجلال و الاکرام دست را گذاشته باشند این دعا را ملاحظه می فرمایید در صحیفه صادقیه علیه السلام آن دعا این است که حضرت «فی کل یوم من رجب صباحاً و مساءً و فی اعقاب الصلوات» ماه رجب پس این دعا در هر شب در هر روز در همیشه حالات ماه مبارک رجب هست و در تعقیبات نمازهای پنج گانه این جمله های معروف «یا من ارجوه لكل خیر، و امن سخطه عند کل شر» در اینجا دارد که «ثم مد ابو عبدالله علیه السلام یده الیسری فقبض علی لحيته» خب این دعا را زنها را هم می توانند بخوانند با اینکه سخن از لویه نیست عمده چانه است که انسان وقتی مضطر شد در تعبیرات عرفی ما هم همین است می خواهیم عذرخواهی کنیم دست به چانه می زنیم می گویم ما را ببخش نه اینکه سخن از محاسن باشد لذا جوان هم می تواند بخواند زن هم می تواند بخواند «و دعا بهذا الدها و هو یلوذ بسبابته الیمنی ثم قال بعد ذلك یا ذا الجلال و الاکرام یا ذا النعماء و الجود یا ذا المن و الطول حرم شیبتی علی النار» یعنی این دعای یا من ارجوه را حضرت از همان اول دست به چانه شریفشان گذاشتند و این دست سبابه دست راست را حرکت می دادند این دعا را خواندند تا به یا ذالجلال و الاکرام رسیدند که کمی اضافه کردند نه اینکه این حالت مربوط به خصوص آن جایی باشد که یا ذالجلال و الاکرام مطرح است خب این دعا و امثال این دعا برای آن است که انسان را جزء ضیوف الرحمان بکند وقتی مهمان خدای سبحان شد او غیر از نعمتهای خاصه ای که عطا می کند یک چیزی که صاحب بقا باشد عطا می کند چون «و ما عند الله خیر» یک چیزی می دهد که خیر باشد این خیر از بین رفتنی نیست و نگهدار و نگهبان آدم است.



### نکته ای در باره زیارت امام رضا علیه السلام

نصیحتی خواندنی از آیت الله بهجت رحمة الله علیه مثل ما تنبل نباشید، زود زود به مشهد بروید. گاهی موانع بزرگی با یکبار مشهد رفتن از سر راه ما برداشته میشوند. هنگامی که به حرم مشرف شدید به عدد اسم ابجد امام رضا علیه السلام یعنی هزار و یک مرتبه «یا رثوف و یا رحیم» بگویید. زیارت کنید، نماز زیارت بخوانید و بعد به امام رضا علیه السلام بگویید؛ دست خالی آمده ام، گره به کارم افتاده است، شما مشکلم را حل کنید. برگردید و ببینید امام رضا علیه السلام چطور مسیر را برای شما هموار میکند. او حجت خدا و پناه شیعه است. آسمان و زمین و آنچه بین آندو است، در اختیار امام رضا علیه السلام است. خود را قطره ای از دریای امامتش فرض کن تا محبتش را نسبت به خود درک کنی.

اللهم صل علی علی ابن موسی الرضا علیه السلام

